

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ناتالیا مدن (Natalia Meden)

برگردان از: ا. م. شیری

۱۹ جون ۲۰۱۵

وزن مخصوص جی ۷ در جامعه جهانی چقدر است؟

پس از آن که سران کشورهای سابقاً گروه «هشت بزرگ» به ناتوانی خود در حل اختلاف با روسیه پیرامون مسأله اوکراین در پشت میز مذاکره پی بردند و نمایش «وحدت دمکراسی غربی» را به مذاکره ای دشوار با مسکو ترجیح دادند، اهمیت اجلاس «هفت بزرگ» به شدت کاهش یافت. اگر برای یک ناظر بی طرف این سوال مطرح شود که شش دولت عضو پیمان نظامی ناتو و ژاپن چسبیده به آنها چه کسانی را در امور بین المللی امروزی نمایندگی می کنند، فقط یک پاسخ خواهد داشت: غیر از خود هیچ کسی را.

اجلاس کنونی برگزار شده در المان، آنطور که پیش بینی می شد، پایان یافت: «وحدت» ثابت کرد، نتوانستند هیچ تصمیم مهمی که دارای اهمیت جدی بین المللی باشد، اتخاذ نمایند. می توان با اطمینان کامل گفت، که در آینده هم اتخاذ چنین تصمیماتی را نباید انتظار داشت. زیرا بازگشت غرب به قالب پیشین «هفت بزرگ» فاصله سالهای ۱۹۷۶- ۱۹۹۷، به معنای جمود آن تفکری است که تمام تنوع جامعه جهانی را به همان تقسیم بندی زنده «غرب و بقیه» ختم می کند.

آنگلا مرکل در مصاحبه با تلویزیون آ. آر. دی. در حاشیه اجلاس، «اندیشمندان» تأکید کرد، که پیوستن مجدد کریمه به روسیه (او لجوجانه «الحاق» می نامد)، و همچنین مناقشه در شرق اوکراین «دو موضوع متفاوت است و باید هر یک بطور جداگانه مطرح شود». آیا اعضای «هفت بزرگ» می توانند بفهمند، تا زمانی که غرب کریمه را به عنوان بخشی از روسیه نشناسد و به امتناع دنیاس روس از تبعیت از رژیم دیکتاتوری مشترک ناسیونالیستها و فاشیسم اوکراین در کنیف توجه نکند، چنان متفاوت خواهد ماند؟

در مورد آنچه که به «همفکران هفتگانه» در امور بین المللی مربوط می شود، جای بسی اندیشیدن دارد. هنوز از یادها نرفته که در آخرین اجلاس گروه ۲۰ بزرگ در استرالیا تلاشهای نامعقولانه ای برای اخراج روسیه از «گروه بیست» به عمل آمد. اما نتیجه نداد. چین و برزیل «نه» گفتند.

از زمانی که امریکا در ۴۰ سال قبل ضمن کوشش برای تقویت مواضع خود در مقابل ابرقدرت اتحاد شوروی، عملاً دیدار سالانه «گروه هفت» را آغاز نمود، جهان به طرز ناشناخته ای تغییر کرده است و اگر امروز ترکیب کشورهای آن که سران آنها همین روزها اجلاس خود را در قلعه المانوی باواریا به پایان بردند، همان است، یعنی از چهل سال قبل بلاتغییر مانده است. این عدم تغییر حکایت از آن می کند که قالب «گروه هفت» به اشتباه تاریخ تبدیل گردیده است. اما اگر این واقعیت را هم در نظر بگیریم که مرکز اقتصاد جهانی از مدتها قبل به آسیا، به محل استقرار دو نهنگ، مثل چین

و هند منتقل می شود، این مسأله که چه کسی برای عقب ماندن از روندهای عمده جهانی خطر می کند، هر چه باشد، مطابق میل و خواست هواداران آتلانتیسم نخواهد بود.

البته، سالی یک بار تجمع همفکران دلنشین است. اما نه همیشه در آن کشورهایی که چنین دیدارهایی برگزار می شود. با در نظر داشت ویژگی المانها، مثلاً، همانطور که اعتراضات هزاران نفری مخالفان اجلاس «هفت بزرگ» در شهرهای مونیخ و هارمیش نشان داد، معترضان خرسند از آن نیستند که چقدر پول مالیات دهندگان برای پذیرائی مجلل از مهمانان در باورایا صرف شد. دولت مرکزی هم بر این نگاه تردیدآمیز به «گروه هفت» به خوبی واقف است. بیهوده نبود که کار محصور کردن (به معنای دقیق کلمه) قلعه المانو از سال گذشته آغاز شد! همه چیز روبه راه شد و هیاهوی معترضان گوش مهمانان انگلا مرکل را نیاززد. البته ۱۷ هزار نفر پولیس هم از سراسر المان با علاقه مندی به زیبایی های آلپ به محل اجلاس نیامدند. آنها مانع ورود معترضان شدند و به برخی ها نیز به طور جدی آسیب رساندند. بر اساس گزارش سازماندهندگان اعتراضات، ۶۰ نفر از معترضان در اثر استفاده پولیس از گاز خردل مسموم شدند یا از طرف پولیس مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.



عکس اعتراضات در مونیخ

اعتراضات به طور عمده علیه معاهده تجاری ترانس آتلانتیک و همکاری سرمایه گذاری به ابتکار امریکا با اتحادیه اروپا آغاز شد. در عین حال، معترضان المانی نسبت به مسأله تبدیل «هشت بزرگ» به «هفت بزرگ» هم بی تفاوتی نشان ندادند. در مورد این که روسیه هرگز در اجلاس «هفت بزرگ» شرکت نخواهد کرد، اذهان عمومی در المان تقریباً به دو دیدگاه تقسیم شد. ضمناً، لازم به تأکید است، که در میان معترضان علیه اجلاس باورایا، کسانی هم بودند که پرچم روسیه و روسیه جدید را حمل می کردند



نوشته روی پلاکادها - علیه ناتو، اتحادیه اروپا، باندریهای نازی اوکراین

لفاظی های آنگلا مرکل در این پس زمینه، که اظهار داشت شرکت روسیه در جلسات «گروه هشت بزرگ» هرگز ممکن نیست، دیگر جلب توجه نمی کند. بیشتر در سال ۲۰۱۰، سفیر وقت امریکا در المان به صراحت، اما با کنایه متکبرانانه صدر اعظم مرکل را به عنوان سیاستمدار بسیار محتاط توصیف کرد (اظهارات سفیر در سایه انتشار اسناد ویکلیکس آشکار گردید). اعتبار رهبر را که هیچ علاقه ای به مخاطره انداختن خود ندارد، امتناع قطعی مرکل از مذاکره با رئیس جمهور امریکا در مورد جنجالهای اخیر مرتبط با «همکاری» سرویسهای امنیتی امریکا و المان هم تأیید کرد. این امتناع بر محبوبیت او نیفزود. بر اساس نظرسنجی عمومی، ۶۰ درصد المانیها بر این باورند، که وضعیت موجود باید روشن شود.

تمایل صدر اعظم برای گریز از بررسی موضوع لغزنده همراه با خطر تشدید مناسبات با همتای ماورای اقیانوسی را می توان فهمید. فهم آن موضوع دشوار است که خانم صدر اعظم پیشاپیش به پتر پاراشنکو وعده داد که نتایج اجلاس «هفت بزرگ» را به «اطلاع» او خواهد رساند (!؟) و همانجا مسکو را به حمایت از جدائی طلبانی که گویا به توافقات مینسک محل نمی گذارند، متهم کرد. اگر مرکل و پاراشنکو زحمت آشنائی با گزارش رسمی هیأت ناظران شورای اروپا در امور اوکراین را به خود می دادند، می فهمیدند، که هیأت ناظران شورای اروپا هیچ قرابتی با آن ندارد که جمهوریهای خلق دانتسک و لوهانسک را مسؤول تشدید درگیریهای نظامی معرفی کند. آیا همین واقع بینی باعث استعفای رئیس هیأت ناظران شورای اروپا در اوکراین، هایدی تالیاوینی نگردید؟ (دنيس پوشيلين، صدر شورای خلق جمهوری خلق دانتسک او را کسی که با سند و مدرک کار می کند، توصیف کرد).

اگر چنین است و اگر سران کشورهای «گروه هفت» در قلعه المائو چگونگی متمایل ساختن شورای اروپا به سوی یکی از طرفهای مناقشه را مورد بحث و بررسی قرار دادند، این به معنای آن است که غرب به سمت شکست روند مسالمت آمیز و تشدید مناقشه در شرق اوکراین گام برمی دارد. چنین طرحهایی واقعاً هیچ چیز خوبی برای سران محفل کوچک به دنبال نخواهد آورد.

<http://www.fondsk.ru/news/2015/06/09/kakov-udelnyj-ves-g7-v-mirovom-soobschestve-33750.html>

۲۸ خرداد - جوزا ۱۳۹۴